

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)

سال سیزدهم، شماره ۴۶ و ۴۷، تابستان و پاییز ۱۳۸۲

## مجوس به عنوان اهل ذمه

دکتر غلامحسین زرگری نژاد\*

نرگس رضاقلی زاده آهنگر\*\*

### چکیده

سیاست حضرت رسول خدا (ص) با زردشتیان ناحیه هجر در منطقه بحرین به عنوان اهل کتاب اعتراض برخی از مسلمانان را برانگیخت. اما پیامبر به شدت با این گروه برخورد کرد. تا جایی که برخی منابع از آنان به عنوان منافقان یاد کرده‌اند. خلفای اولیه نیز با تأسی از رسول خدا (ص) پس از فتح ایران زردشتیان را به عنوان اهل ذمه<sup>۱</sup> پذیرفتند.

کلیدواژه‌ها: مجوس، اهل ذمه، اهل کتاب.

برخی از محققان معاصر معتقدند که مسلمانان زردشتیان را در شمار اهل ذمه به شمار نمی‌آورند و اهل کتاب، منحصر به پیروان مسیح و موسی (ع) هستند.<sup>۲</sup> حال آن که سیره پیامبر

\*. عضو هیات علمی دانشگاه تهران

\*\* فارغ التحصیل کارشناسی ارشد تربیت معلم

۱. اهل ذمه یا اهل معاهده به اهل کتاب (یهودی، نصارا، صابین و محوس) می‌گویند که در مملکت اسلام با قول حرب و خراج در ذمه مسلمانان بودند. ولی پس از فتوحات اسلامی تا حدی شمول بیشتری پیدا کرد و گاه بعضی از مشرکان را نیز شامل می‌شد. (دایرة المعارف فارسی به سرپرستی غلامحسین مصاحب، ذیل اهل ذمه)

۲. حان ناس، تاریخ جامع ادیان از آغاز تا امروز، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، ص. ۱۴۷۷  
م. مولد، ایران باستان، ترجمه دکتر ژاله آموزگار، چاپ پنجم، تهران، توس، ۱۳۷۷، ص. ۳۰؛ محمد محمدی، فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در اسلام و عرب، تهران، پیمان، ۱۳۲۳، ص. ۴۸.

وروش خلفای اولیه، خلاف آن را نشان می‌دهد. مهم‌ترین دلیل این مدعا، سیاست مسلمانان در خصوص پیروان زردشت و مفاد قراردادهای منعقدہ فیما بین مسلمانان و ایرانیان است. در این خصوص، آن دسته از مسلمانان نیز که به دلایل نامعلومی به اهل کتاب محسوب شدن زردشتیان، معترض بودند، با واکنش شدید پیامبر (ص) مواجه شدند. (نظیر برخورد پیامبر (ص) با مستوربن الاحنف).<sup>۱</sup>

مسلمانان سیاست پیامبر را دنبال کردند. روایات نقل شده از برخی صحابه پیامبر چون علی بن ابی طالب (ع) و عبدالرحمن بن عوف<sup>۲</sup> مواردی چون دفاع مسلمانان سیستان از زردشتیان منطقه<sup>۳</sup> وجود آتشکده‌های فراوان در سراسر ایران و مناطق زردشتیان در قرون نخستین اسلامی حاکی از آن است که مسلمانان زردشتیان را اهل کتاب می‌دانستند.

علی بن ابی طالب (ع) به نقل از پیامبر (ص) در خصوص اهل ذمه آورده است: «نسبت به اهل ذمه گذشت داشته باشید و جزیه را از آنان بر اساس پول منطقه دریافت کنید.»<sup>۴</sup> در روایتی دیگر،

۱. قاضی أبو یوسف یعقوب بن ابراهیم، الخراج، الطبعه الاولى، صححه شرحه و وضع فهارسه القاضی الشیخ أحمد محمد شاکر، لبنان، بیروت، دارالمحدثه، ۱۹۹۰م. ص ۲۶۰.

۲. ابوالحسن البلاذری، فتوح البلدان، ایران، قم، منشورات، الارمیه، ۱۴۰۴، ۲۸۹؛ قاضی ابو یوسف یعقوب بن ابراهیم، پیشین، ص ۲۶۰؛ ابو عبیدالقاسم بن سلام، الاموال، تحقیق و تعلیق خلیل محمد، لبنان، دارالفکر، ۱۴۰۸ هـ ق. ۱۹۸۸، ص و ص ۳۵ و ۳۷؛ بخاری، صحیح بخاری، باب جهاد، شرح کرمانی، الطبعه الثانی، لبنان، بیروت، التراث العربی، ۱۴۰۴ هـ ق. / ۱۹۸۴ م، ص و ص ۱۲۵ و ۲۷۸؛ الترمذی، سنن الترمذی، ج ۲، الطبعه الاولى، بی‌جا، مکتبه التریبه العربی لدول الخلیج، ۱۴۰۸ هـ ق. / ۱۹۸۸ م، ص ۶۱۵؛ ابو عبدالله محمد بن ادریس الشافعی، مسند الامام الشافی، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا. ص ۲۰۹؛ ابو محمد بن احمد حزم الطاهری، الفصل فی الملل و الاواء و النحل، ج ۲، لبنان، بیروت، دار معرفت، ۱۴۰۶ هـ ق. / ۱۹۸۶ م ص ۴۷؛ ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن بن الفضل بن بهرام الدرामी، سنن الدرामी، ج ۲، بی‌جا، دارالکتب، العلمیه، بی‌تا، ص ۲۳۴؛ الحافظ ابو داود سلیمان بن اشعث السجستانی، سنن ابی داود، ج ۲، الطبعه الاولى، لبنان، بیروت، الکتب الثقافیه و دارالجان، ۱۴۰۹ هـ ق. / ۱۹۸۸ م؛ ص و ص ۳۶۱ و ۳۶۷؛ محمد بن ابی بکر بن قیم الجوزیه، احکام اهل ذمه، ج ۲، حقه و علق حواشیه صحی الصالح، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۶۲ ش / ۱۹۸۳ م، ص ۱؛ ابو العباس احمد بن علی القلقشندی، صیح الاعشی فی صناع فی الاستا، ج ۶ و ۱۳، مصر، وزارت الثقافه و الرشاد القومی الموسسه المصریه الیامه، بی‌تا، ص و ص ۳۶۱ و ۳۶۷.

۳. محمد تقی بهار (مصحح)، تاریخ سیستان، تهران، خاور، ۱۳۱۴ ص ۹۲.

۴. یحیی بن آدم القرشی، الخراج، صححه و شرحه و وضع فهارسه القاضی الشیخ احمد محمد شاکر، الطبعه الاولى، لبنان، بیروت، دار حدان، ۱۹۹۰ م، ص ۴۶۴.

ابن عباس، باز به نقل از پیامبر (ص) ضرورت خوش رفتاری با اهل ذمه را مورد تأکید قرار داده: «در اموال اهل ذمه جز عفو و بخشش نیست.»<sup>۱</sup> نیز «آگاه باش کسی که با اهل ذمه ستم کند یا این که بیش از طاقتش چیز از او بخواهد یا شان او را پایین آورد یا از او بدون رضایت خودش چیزی بگیرد، من روز قیامت دادخواه او هستم.» یا این که «درباره کسانی که با آنان پیمان بستید در مال و جان به عدالت رفتار کنید. آنان بنده (برده) نیستند. آنها را از شهری به شهر دیگر کوچ ندهید. آنان اهل ذمه هستند ولی آزادند. در رعایت حقوق زنان آنان مانند زنان مسلمان رفتار کنید، زنان شان در قسم، طلاق و عده با زنان مسلمان مساوی هستند.»<sup>۲</sup>

تأکید آن حضرت بر ضرورت تسامح و مدارا با اهل ذمه چه بسا ناشی از تلقی نادرست برخی مسلمین از آیین زردشت<sup>۳</sup> به عنوان آیین غیرتوحیدی و یا وجود رفتارهای خشونت‌آمیز برخی از مسلمانان با اهل ذمه بوده است که به ویژه در امر اخذ جزیه، نمود می‌یافت و پیامبر (ص) گه‌گاه واکنشی سخت در قبال آن نشان می‌داد: «هر کس به اهل ذمه ستم روا دارد، روز قیامت من از او دادخواهی خواهم کرد.»<sup>۴</sup> و یا این که کسی که اهل ذمه یا معاهدی را به قتل برساند، خداوند بهشت را بر وی حرام کرده است.<sup>۵</sup> آورده‌اند وقتی پیامبر (ص) از زردشتیان هجر جزیه دریافت کرد عده‌ای از مسلمانان اعتراض کردند و شخصی به نام «مستورین الاحنف»، رسول خدا (ص) را سرزنش کرد. آن حضرت فرمود: «توبه کن و گرنه تو را می‌کشم.»<sup>۶</sup> آورده‌اند: «مشرکان مکه از پیامبر (ص) خواستند از آنان جزیه بگیرد و اجازه بت‌پرستی به آنها بدهد، آن حضرت فرمودند: من جز از اهل کتاب جزیه نمی‌گیرم، آنها در پاسخ نوشتند تو چگونه چنین می‌گویی در حالی که از مجوس منطقه هجر جزیه گرفته‌ای، پیامبر (ص) فرمودند: «ان المجوس کان لهم فقتلوه و کتاب

۱. قاضی أبو یوسف یعقوب بن ابراهیم، پیشین، ص ۲۵۱.

۲. هما، صص ۲۵۳-۲۵۴.

۳. روایتی از رسول خدا (ص) درباره انشعاب ادیان الهی نقل شده است: مجوس ۷۰ گروه، یهود ۷۱ گروه، نصارا ۷۲ گروه و مسلمانان ۷۳ گروه (الملل و النحل شهرستانی، ج ۱، صص ۷ و ۲۷)

۴. محمد بن ابی بکر بن قیم الجوزیه، پیشین، ج ۲، ص ۳۶ به بعد.

۵. ابو داود، پیشین، ج ۲، ص ۹۲.

۶. قاضی أبو یوسف یعقوب بن ابراهیم، پیشین، ص ۲۶۰.

حرقوه»<sup>۱</sup> به نوشته بلاذری «وقتی منافقان عرب بر رسول خدا (ص) اعتراض کردند که چرا از زردشتیان جزیه گرفت زیرا آنان اهل کتاب نیستند. آیه صد و پنج سوره مائده نازل شد.<sup>۲</sup> «با اینها الذین امنوا علیکم انفسکم لا یضرکم من ضلّ اذا اهتدیتم الی الله مرجعکم جمیعاً فینبئکم بما کنتم تعلمون».<sup>۳</sup> مفسران درباره شأن نزول آیه یاد شده نظرات متفاوتی ارائه داده‌اند.

ابوالفتوح رازی آورده است: «چون به پیامبر (ص) اعتراض کردند که چگونه از گبر و اهل کتاب جزیه گرفت و از عرب نگرفت و آنها را به کفرشان باقی گذاشت آیه مذکور نازل شد».<sup>۴</sup> به نوشته مؤلف کشف الاسرار وعده الابراز: «ابو صالح از ابن عباس روایت کرد که رسول خدا از جهودان و ترسایان و گبران هجر جزیت پذیرفت و از مشرکان عرب جز اسلام نمی پذیرفت یا شمشیر، منافقان طعن کردند که این کار محمد بس عجیب است. می گوید: مرا به آن فرستادند تا خلق را بر دین اسلام دعوت کنم و اگر نپذیرفتند قتال کنم، اکنون جزیت اهل هجر پذیرفت و قتال از ایشان برداشت و ایشان را بر کفر خود فرو گذاشت، چرا نه با ایشان همان کردی که با مشرکان عرب؟ برین وجه طعن می کردند و ملامت تا خداوند (آیه ۱۰۵ / سوره مائده: فرستاد»<sup>۵</sup> برخی مفسران نیز آورده اند آیه خطاب به مسلمانان درباره اهل کتاب است که گمراهی آنان به مؤمنین و مسلمانان ضرر نمی رساند و همچنین به مسلمانان یادآوری می کند که فریضه امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنند.<sup>۱</sup>

۱. الشیخ محمد بن الحسین الحر العاملی، مسائل الشیعه، ج (۱)، به تصحیح و تحقیق الشیخ عبدالرحیم الزبانی الشیرازی، لبنان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ص ۹۶.
۲. ابی الحسن البلاذری، پیشین، ص. ۹۰.
۳. ای اهل ایمان شما ایمان خود را محکم نگاه دارید که اگر همه عالم گمراه شوند و شما به راه هدایت نماند از کفر آنها به شما زیانی نخواهد رسید بازگشت همه خلق به سوی خداست و همه شما را در قیامت بدان چه کرده‌اید آگاه می‌سازد.
۴. حمادالدین شیخ ابوالفتح رازی. تفسیر روح الجنان و روح البیان، ج ۴، ترجمه آقای حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، اسلامی، ۱۳۵۲، ص ۳۵۴.
۵. ابوالفضل رشید الدین المیددی. کشف الاسرار و عده الانرار، ج ۳، سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۵، ص ۲۵۰؛ الحسن علی بن احمد الواحیدی البشاوری، تألیف و تخریج الدكتور مصطفی دیب البغا، دمشق، بیروت، بی جا، داراب کبیر، ۱۴۱۷ هـ/ ۱۹۹۷م، صص ۱۷۸-۱۷۹؛ حسین احمد الشاء عبدالعظیمی، تفسیر اثنی عشری، ج ۳، بی جا، کلیبی، ۱۳۶۳، صص ۱۹۲-۱۹۳.

مرحوم کلینی می‌گوید: «شخصی از امام صادق (ع) پرسید آیا مجوسان صاحب کتابند: فرمود: آری، رسول خدا (ص) به اهل مکه نامه نوشت یا اسلام بیاورید و یا آن که به جنگ با شما برخیزیم. مردم مکه در جواب آن حضرت نوشتند: از ما جزیه بگیر و ما را به بت پرستی مان واگذار. رسول خدا (ص) نوشت من جزیه نمی‌گیرم مگر از اهل کتاب. مجدداً مردم مکه نامه نوشتند و مقصودشان از آن نوشته تکذیب آن حضرت بود! چطور می‌گویی من جزیه نمی‌گیرم مگر از اهل کتاب. و حال آن که از مجوسان هجر جزیه گرفته‌ای؟ رسول خدا (ص) در پاسخ‌شان نوشت مجوسان پیغمبری داشتند و او را کشتند و کتابی داشتند که آتش زدند.»<sup>۲</sup>

بر اساس روایت «رسول خدا (ص) از زردشتیان منطقه «هجر» در بحرین جزیه دریافت کرد ولی خوردن گوشت قربانی و ازدواج با زنان آنان را تحریم کرد.»<sup>۳</sup> علی (ع) نحوه سلوک پیامبر با زردشتیان را این‌گونه شرح می‌دهد: «رسول خدا (ص) گرفتن جزیه را از زردشتیان به علت این که اهل کتاب هستند واجب کرد و تحریم ازدواج با زنان آنان و خوردن گوشت قربانی آنها به سبب شرکشان است.»<sup>۴</sup> این نحوه سلوک، البته برگرفته از نص صریح قرآن بوده که براساس آن مجوس نیز در شمار سایر اهل کتاب به شمار آمده‌اند: «ان الذین امنوا و الذین هادوا و الصابئين و

۱. ابو جعفر محمد بن جریر الطبری، جامع البیان، ج ۵، لبنان، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۸ م، ص ۹۹؛ ابو جعفر محمد الحسن الطوسی، التیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، الطبعة الاولى، بی‌جا، مکتب الاعلام اسلامی، ۱۴۰۹ هـ صص ۴۰-۴۱؛ ابوالقاسم محمود بن عمر الزمخشری الخوارزمی، الکشاف، ج ۱، طبعه جریده حقهها عبدالرزاق المهدي، اطبعه الثانيه، لبنان، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۱ هـ / ۲۰۰۱، ص ۷۱۸؛ ابوالفداء اسماعیل بن کثیر القرطبی الدمشقی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، قدم له الدكتور يوسف عبدالرحمن المرعشی، الطبعة الثانيه، لبنان، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۷ هـ / ۱۹۸۷ م، صص ۱۱۲-۱۱۴؛ حلال‌الدین عبدالرحمن ابی بکر السیوطی، ج ۲، الطبعة الاولى، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ هـ / ۱۹۹۰، صص ۵۹۸-۶۰۱؛ محمد عزه دروزه، التفسیر الحدیث، ج ۹، الطبعه الثانيه، بیروت، دارالعرب اسلامی، ۱۴۲۱ هـ / ۲۰۰۰ م، ص ۲۴۶

۲. ابوجعفر محمد بن اسحاق کلینی الرازی، الفروع من الکافی، ج ۳، صححه علی اکبر الغفاری، الطبعه الثالثه، دار صعب و دارالتعارف، ۱۴۰۲ هـ صص ۵۶۷-۵۶۸.

۳. ابی حسن البلاذری، پیشین، ص ۸۹ به بعد؛ ابو یوسف یعقوب بن ابراهیم، پیشین، ص و ص ۱۴۳ و ۲۵۹؛ أبو عبدالقاسم بن سلام، پیشین، ص ۳۵.

۴. همان، ص ۲۶۰.

النصارى و المجوس الذين اشركوا ان الله يفصل بينهم يوم القيمة ان الله على كل شيء شهيد.<sup>۱</sup> در نامه پیامبر (ص) به خسرو پرویز نیز واژه «مجوس» صراحتاً به کار رفته است: «بسم الله الرحمن الرحيم، من محمد رسول الله الى كسرى عظيم فارس، سلام الله على من اتبع الهدى و آمن بالله و رسوله شهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و آمن محمدا عبده رسوله و ادعوك بداعيه الله عزوجل، فاتى انا رسول الله الى الناس كافة الا ائذ من كان حيا و بحق القول على كافرين، فأسله تسلم، فان أبيت، فان أثم المجوس عليك»<sup>۲</sup>\*

بنابر روایت ابن اثیر، رسول خدا در سال ششم هجری عمرو بن عاص را به عمان فرستاد و او از زردشتیان آنجا جزیه گرفت و به مدینه برگشت،<sup>۳</sup> به نظر می‌رسد که در مورد تاریخ این مأموریت اشتباهی صورت گرفته است زیرا در سال ششم هجری عمرو عاص هنوز مسلمان نبود و حکومت اسلامی بر شبه جزیره عرب مسلط نشده بود، ضمن آن که خطر کفار به ویژه قبیله قریش همچنان مسلمانان را تهدید می‌کرد. این وضعیت تا سال ششم هجری ادامه داشت، بر اساس گزارش‌های مؤلفان مسلمان در سال دهم هجری پیامبر عده‌ای را برای تبلیغ اسلام و اخذ جزیه از مسیحیان، یهودیان و مجوسیان به یمن فرستاده و نیز طی نامه‌ای به منذر بن ساوی حاکم بحرین، دستور اخذ جزیه از مجوسیان آنجا را صادر کرد.<sup>۴</sup> به روایت بلاذری پیامبر (ص) در این سال علاء (علاء

۱. سوره حج / آیه ۱۷

۲. احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۱، چاپ سوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، ص ۴۲۲؛ ابی جعفر محمد س جریب الطبری، تاریخ الطبری، پیشین، ج ۲، ص ۲۵۷، ابن حوری، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، ج ۲، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ص ۲۸۲.

۳. از محمد فرستاده خدا به خسرو پرویز بزرگ ایران، سلام بر کسی که راهمایی را پیروی کند و به خدا و رسولش امان آورد و گواهی دهد که معبودی جز خدای یگانه و بی‌باز نیست و ایکه محمد بنده و فرستاده او نه همه مردم است تا هر که را زنده باشد بیم دهد و گفتار بر کافران واجب آید پس اسلام آور تا سالم بمانی و اگر سرباز رنی همانا گاهان مجوس بر نواست.

۳. عزالدین علی بن اثیر، تاریخ کامل ابن اثیر، ج ۱ از مجله دوم، ترجمه عباس خلیلی، بی‌جا، بی‌تا، ص ۲۷۱.

۴. ابوالحسن علی بن حسین مسعودی. التنبيه و الاشراف: ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵؛ صص ۲۵۳-۲۵۲، ابو محمد عبدالله الرحمن بن الفضل بن بهرام الدارمی، پیشین، ص ۲۳۴؛ ابی داود سلیمان نه الاثعت السجستانی، پیشین،

حضرمی) را به بحرین فرستاد.<sup>۱</sup> با توجه به این که پیامبر سپاهی را به فرماندهی خالد بن ولید برای سرکوبی اهل رده به منطقه اعزام نموده بود. چه بسا مبلغانی همراه سپاه مذکور بودند. براساس روایتی از امام صادق (ع)، زمانی که پیامبر خالد بن ولید را به بحرین فرستاد. او گروهی از اهل ذمه را کشت و به آن حضرت گزارش داد که وی دیه کشته‌شدگان یهود و نصارا را پرداخت ولی درباره دیه مجوس دستوری از طرف پیامبر ندارد. آن حضرت در پاسخ نامه خالد فرمود «همانا دیه آنان همانند دیه یهود و نصارا است و گفت اینان خود اهل کتاب هستند».<sup>۲</sup>

ائمه معصومین (ع) نیز در خصوص اهل کتاب بودن زردشتیان روایاتی از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند. بر اساس روایات امام سجاد (ع): «پیامبر (ص) فرمود: «سناو بهم سنه اهل الکتاب یعنی المجوس: با آنها طبق سنت اهل کتاب رفتار کنید، منظور پیامبر اسلام (ص) مجوس بود».<sup>۳</sup> شیخ صدوق به نقل از امام صادق آورده است از «مجوس جزیه گرفته می‌شود زیرا پیامبر فرمود به سنت اهل کتاب با ایشان رفتار کنید».<sup>۴</sup> آورده‌اند ائمه صادقین (ع) در برخورد نامطلوب برخی مسلمانان نسبت به زردشتیان، از آنان به عنوان اهل ذمه دفاع نمودند.<sup>۵</sup> امام رضا (ع) هم در جلسه مناظره با بزرگان ادیان الهی درباره توحید و پیامبران آسمانی، پیامبری زردشت را تأیید نمود.<sup>۶</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز جامع علوم انسانی

۱. ابو الحسن البلاذری، پیشین، ص ۱۹۰.
۲. ابن بابویه شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، مترجم صدر باغی و محمد جواد غفاری، ج اول، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۹.
۳. ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی، استبصار، ج ۴، حقه و علق السید حسن الموسوی الخراسانی، تصحیح الشیخ محمد الاخواندی، بیروت، دارصعب و دارالتعارف، ۱۳۹۰، صص ۲۶۸-۲۶۹.
۳. محمد بن الحسین الحر العاملی، پیشین، ج ۱۱، ص ۹۷.
۴. شیخ صدوق، پیشین، ص ۳۵۷.
۵. شیخ طوسی، استبصار، پیشین، ص ۱۸۹؛ ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی، تهذیب الاحکام، ج ۷، حقه و علق السید حسن الموسوی، الخراسانی، بیروت، دار صعب و دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۱ هـ / ۱۹۸۱ م، ص ۳۶۵.
۶. شیخ صدوق، عیون اخبار رضا، ج ۱، ترجمه تقی اصفهانی مشهور به آقا نجفی شیرازی، بی‌جا، اسلامیه، بی‌تا، ص ۱۱۰، طبرسی، احتجاج، شرح و ترجمه احمد غفاری مازندرانی، تصحیح آقای پاکتچی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، بی‌تا، ص و صص ۹۳ و ۱۲۵-۱۲۶.

در حدیث دیگری از «اصبغ بن نباته» می‌خوانیم که علی (ع) بر فراز منبر فرمود: «از من سؤال کنید پیش از آن که مرا نیابید، اشعث بن قیس برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان چگونه از مجوس جزیه گرفته می‌شود در حالی که کتاب آسمانی بر آنها نازل نشده و پیامبری نداشته‌اند. علی (ع) فرمودند آری: ای اشعث، خداوند کتابی بر آنان نازل کرده و پیامبری بر ایشان فرستاد.»<sup>۱</sup>

از حضرت علی (ع) درباره زردشتیان سؤال شد با این که آنان دارای دین و کتاب نیستند و به پیغمبری ایمان ندارند چرا از آنان جزیه گرفته می‌شود؟ آن حضرت فرمودند: «من درباره آنان داناترین فرد عالم هستم ایشان در گذشته صاحب علم و کتاب بودند، ولی به سبب احازه بزرگان‌شان به ازدواج شاه با دختر یا خواهر خود خداوند کتاب‌هایشان را به آسمان برد و علمی که در سینه‌های آنان بود محو گشت. بدین سبب به اهل کتاب شباهت دارند.»<sup>۲</sup> ابویوسف، یاسخ امام علی (ع) را چنین نقل کرده است: «من نسبت به دیگران به امور زردشتیان داناتر هستم. آنان کتابی داشتند و آن را می‌خواندند و آموزش می‌دادند. یکی از پادشاهان با خواهر خود ازدواج کرد پس از آن شاه به امر خواهرش به مردم دستور داد که از آنان پیروی کنند، مردم حاضر به اطاعت از فرمان شاه نشدند. بدین علت بسیاری از آنان در یک روز کشته و بقیه تهدید به سوختن شدند. بدین ترتیب مردم مجبور به اطاعت از فرمان پادشاه شدند.»<sup>۳</sup> به نوشته احمد بن حنبل: «امام علی گفت من درباره آنان داناترین فرد عالم هستم. ایشان در گذشته صاحب علم و کتاب بودند و آن را آموزش می‌دادند. روزی پادشاه آنان با خواهر خود ازدواج کرد. مردم از کار وی آگاه شده و او را طعن کردند. شاه آن‌ها را نزد خود فراخواند و گفت آیا شما در دنیا دینی بهتر از دین آدم سراغ دارید در حالی که او دخترانش را با پسرانش تزویج کرد و من بر دین آدم همنم پس کسی از شما از من پیروی نکند، کشته می‌شود مردم به اجبار از شاه اطاعت کردند و بدین ترتیب

۱. محمد بن الحسین الحر العاملی، پیشین، ج ۱۱، ص ۹۸

۲. سدید الدین محمد عوفی، حوامع الحکایات و الوامع الروایات، اول از قسم دوم، تصحیح نانو مصفا (کرمی) بی‌جا، بیاد فرهنگ، ۱۳۵۲، صص ۲۰۱-۲۰۰.

۳. ابی یوسف یعقوب ابراهیم، پیشین، صص ۲۵۹-۲۶۱.



کتاب‌شان به آسمان رفت و علمی که در سینه‌های آنان بود محو گشت.<sup>۱</sup> روایات نقل شده از امام علی (ع) را مفسران نیز نقل کرده‌اند.<sup>۲</sup>

به نظر می‌رسد پادشاه مذکور بهمن از پادشاهان سلسله کیانی باشد. منابع از ازدواج وی با دخترش همای (خمانی) گزارش کرده‌اند.<sup>۳</sup> پلوتارک هم از ازدواج اردشیر با دخترش آتوسا خبر داده است.<sup>۴</sup> گویا بر اساس گزارش‌های منابع کهن زردشتیان رواج ازدواج با محارم را در میان پیروان آیین زرتشت مردود دانسته و بر این اعتقادند که این امر فقط مختص پادشاهان بوده است. موبد رستم شهرزادی می‌گوید: «یکی از پادشاهان عاشق خواهرش شد و از موبد موبدان خواست اجازه ازدواج را به آنان بدهد. موبد موبدان چند روز مهلت خواست تا بتواند در کتب دینی جستجو کند تا ببیند شرع اجازه این کار را می‌دهد. بدین منظور موبدان دور هم جمع شدند و مشورت کردند و گفتند درخواست شاه مطابق با شرع و دین نیست ولی از اظهار نظر آن نزد شاه وحشت داشتند. تا این که یکی از موبدان گفت راه حل فوق را به من واگذار کنید. موبد مذکور نزد شاه رفت و اظهار داشت هر چقدر در کتب دینی جستجو کردیم تا قانونی اجازه چنین کاری را بدهد، نیافتیم ولی قانون پیدا کردیم و آن این که شاه هر کاری که بخواهد می‌تواند انجام دهد. بدین ترتیب ازدواج با محارم فقط در میان پادشاهان سنت شد.»

درخصوص زردشتیان و تردیدهایی که از همان ابتدا پیرامون «اهل کتاب بودن آنان» وجود داشت، ظاهراً رواج مسأله ازدواج با محارم در میان گروهی از آنان، چندان بی‌تاثیر نبوده است.

۱. احمد بن حنبل، مسد، ج ۴، بیروت، بی‌تا، صص ۳۰۹-۳۱۰، ابی محمد علی بن احمد بن حزم الطاهری، پیشین، ج ۲، ص ۶۲؛ أبو جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، التوحید، صححه و علق السید الحسینی الطهرانی، قم، جماعه المدرسیں فی الجوره العلمیه فی المقدس، بی‌تا، ص ۳۰۶.
۲. ابوالفضل رشید الدین مبینی، پیشین، ج ۴، ص ۸۱۵؛ شیخ ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ترجمه حاج شیخ حسین نوری و دکتر محمد مفتاح، بی‌جا، چاپخانه حیدری، بی‌تا، ص ۷؛ السیوطی، پیشین، ج ۳، ص ۴۱۲؛ علامه محمد حسین طباطبایی، پیشین، ج ۹، صص ۳۸۹-۳۹۰.
۳. طبری، پیشین، ج ۲، صص ۳۳۳-۳۳۴.
۴. پلوتارک، حیات مردان نامی، ج ۴، ترجمه مهندس رضا مشایخی، طهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸، ص ۵۱۰.

از آن جمله عمر بن خطاب که پیشتر در عهد رسول خدا (ص) نیز مکرراً، سیاست‌های پیامبر را مورد اعتراض قرار داده بود\* در دوران خلافتش، درخصوص نحوهٔ سلوک با زردشتیان همچنان در تردید به سر می‌برد. سرانجام پس از تصریح عبدالرحمن بن عوف به اهل کتاب بودن زردشتیان توسط رسول خدا(ص) اگرچه، به پذیرش آن رضایت داد و از زردشتیان فارس جزیه گرفت، اما دستور داد تا زردشتیانی که با محارم خود ازدواج کرده بودند، از یکدیگر جدا سازند.<sup>۱</sup> چنین عملی در عهد پیامبر (ص) و روزگار خلیفه اول سابقه نداشت فرمان عمر در زمان حیات وی و پس از او، تداوم نیافت.

فقهای مسلمان (شیعه و سنی) نیز زردشتیان را در باب ارث، جهاد، دبه، جزیه و نکاح اهل کتاب دانسته‌اند.<sup>۲</sup> مفسران هم در تفسیر سوره حج ذیل آیه ۱۷ آن را تایید می‌کنند.

ابوجعفر محمد بن جریر طبری در تعریف مجوس آورده است: «مجوس کسانی هستند که آتش را بزرگ می‌شمارند و برای آن خدمتکارانی گماشته‌اند. مجوس خورشید، ماه و آتش را

۵ حضور ابوبکر و عمر در لشکر اسامه بن زید و علی‌رغم تاکید پیامبر بر رفتن سپاه مذکور به مرر شام - این سپاه سرانجام به فرمان ابوبکر به ناحیه شام اعزام شد - و نیز مخالفت عمر با رسول خدا (ص) در تحویل دادن ابوجندل سهیل پس از قرارداد صلح حدیبیه از جمله مواردی است که می‌توان به آن اشاره کرد. عمر درباره مخالفت خویش با پیامبر گفت: «از بیم سخنانی که در آن روز صلح حدیبیه گفتم بیوسته روزه می‌داشتم و صدقه می‌دادم و نماز می‌کردم و بنده آزاد می‌کردم تا امیدوار شدم که خوب شده باشد. (طبری، ج ۲، ص و صص ۱۲۳، ۱۲۱-۱۲۲ و ۲۲۴-۲۲۵؛ ابن اثیر، ص ۲۲۶)

۱. ابو عبدالقاسم بن سلام پیشین، ص ۳۵، سعید بن منصور بن شعبه، سنن سعید بن منصور، ج ۲، حقه و علق علیه الاستاد المحدث الشیخ حبیب الرحمن الأعظمی، لبنان، بیروت، دارالکتبه العلمیه، بی تا، صص ۹۰-۹۲؛ ابو بکر احمد بن الحسین بن علی البیهقی، سنن الکبری، ج ۸، فی ذیله الجوهر النفی للعلامه علاءالدین علی بن عثمان المارذینی، الطبعة الاولى، الهند، حیدرآباد الدکن، دائره المعارف العثمانیه، ۱۳۵۴، ش صص ۲۴۸-۲۴۸.

۲. بخاری، پیشین، ج ۱، صص ۲۳۵-۴۳۶؛ ترمذی، پیشین، ج ۲، صص ۶۰-۶۱؛ مالک بن انس، الموطا، صححه محمد فؤاد عبدالباقی، ج ۲، بی‌جا، التراث العربی، بی تا، ص ۸۶۲؛ قطنی، سنن الدرقطی، صححه سید عبدالله هاشم یمانی المدنی، لبنان، بیروت، دارالمعرفه، بی تا، صص ۱۲۹-۱۳۱؛ الکلبینی، پیشین، ج ۵، صص ۴۳۵-۴۳۶؛ شیخ مفید، المقنعه، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ هـ صص ۶۹۹-۷۰۰؛ شیخ صدوق، پیشین، صص و صص ۲۶۱-۲۶۶ و ۴۹۹-۵۰۲؛ شیخ طوسی، پیشین، استبصار، ج ۴، صص و صص ۱۸۸-۱۸۹ و ۲۶۸-۳۷۰ و ج ۶، ص ۳۹؛ شیخ طوسی، پیشین، تهذیب الاحکام، ج ۷، صص ۳۴۴-۳۶۵؛ شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی، المبسوط، ج ۲ و ۴، صححه و علق علیه السید محمد تقی الکشفی، بی‌جا، المکتبه المرتضویه، بی تا، ص و صص ۳۶ و ۱۲۰-۱۲۳.

پرستش می‌کنند.<sup>۱</sup> به گفته شیخ طوسی: «صابین، نصارا و مجوس، برای خدا شریک قائل می‌شوند.»<sup>۲</sup> با توجه به گزارش منابع درباره علل تکریم آتش\* در آیین زردشت، پرستش خورشید، ماه و آتش توسط زردشتیان بعید به نظر می‌رسد بر این اساس وی مذهب زردشت را آیین توحیدی اما مانند مسیحیت و آیین صابئی، تحریف شده تلقی کرده است.

طبرسی بر آن است که مجوس اهل کتابند: «سنت خدا این است که میان حق و باطل جدایی افکند در روز قیامت هم، مؤمن را از یهودی، مسیحی، زردشتی و مشرک جدا می‌کند.»<sup>۳</sup> ابوالفتح رازی زردشتیان را اهل کتاب دانسته اما بر آن است که آنان نظیر مسیحیان، یهودیان و مشرکان برای خداوند شریک قائل هستند وی از قول قتاده می‌نویسد: «پنج دین است. چهار تا برای شیطان و یکی برای رحمن، چهار دیو راست و یکی خدای را. آنچه خدای راست مسلمانی است و آنچه دیو راست این چهارگانه است از جهودی، ترسائی، گبرگی و مشرکی.»<sup>۴</sup> ابوالفضل الوسی بغدادی پس از نقل آراء دیگران درخصوص مجوس، آنان را شبیه اهل کتاب معرفی کرده و می‌نویسد: «مجوسیان قوم یا گروهی هستند که خورشید و ماه و آتش را می‌پرستند و نیز گفته شده گروهی از آنان به پرستش خورشید و ماه و عده‌ای نیز به پرستیدن آتش اکتفا کردند. قول دیگر این که آنها گروهی از مسیحیان هستند که از آنان کناره‌گیری کردند و نیز گفته شده آنان مقداری از شرایع یهودیت و مسیحیت را اتخاذ کرده و معتقدند که جهان دارای دو اصل نور و ظلمت است و در کتاب ملل و نحلل آمده که آنان گروه‌هایی هستند و آتش را احترام می‌کنند.»<sup>۵</sup> بر این اساس

۱. ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع الیان عن تأویل آی القرآن، ج ۱۰ لبنان، دارالفکر، ۱۴۰۸ هـ ق / ۱۹۸۸ م، ص ۱۲۰.

۲. شیخ الطائفة ابو جعفر حسن طوسی، الشیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، تحقیق و تصحیح احمد حبيب قصیر العاملی، لبنان، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا، ص ۳۰۰.

۳. مؤلفان مسلمان درباره علل تکریم آتش در آیین زردشت آورده‌اند: ۱- چون آتش جوهر شریف و از عالم بالا است و ابراهیم خلیل را نوزاند ۲- تعظیم آن موجب نجات آدمی از آتش دوزخ است ۳- قبله زردشتیان است. (ابن حزم، ج ۲، ص ۹۳؛ شهرستانی، ج ۱، ص ۴۹۳)

۴. ابوعلی بن الحسن بن طبرسی، پیشین، ج ۱۶، ص ۱۹۲.

۵. جمال‌الدین شیخ ابوالفتح رازی، پیشین، ج ۸، ص ۸۲.

۵. علامه ابوالفضل شهاب‌الدین سید محمد الوسی بغدادی، تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۷، چاپ چهارم، لبنان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ هـ ق / ۱۹۸۵ م، ص ۱۲۹.

مذهب زردشتیان آیین توحیدی است اما مانند یهودی، مسیحی و صابئی تحریف شده است. ظاهراً اعتقاد زردشتیان مبنی بر این که جهان بر پایه دو اصل نور و ظلمت استوار است موجب شد تا برخی از مسلمانان آنان را دوگانه‌پرست و مشرک تلقی نمایند. این در حالی است که زردشتیان خود را یکتاپرست می‌دانند. موبد دینیار شهزادی می‌گوید: «بدی و خوبی، زشتی و زیبایی، روتنی و تاریکی این دو نیروی همزاد، لازم و ملزوم همدند. اگر نباشد هستی وجود ندارد. سینتا مینو (نیروی خوبی یا فرشته) و انگره مینو (اهریمن یا نیروی بدی) هنجار هستی و اهورامزدا، هستی‌بخش بی‌پایان است.»

علامه طباطبایی. از مفسرین شهیر معاصر زردشتیان را یکتاپرست دانسته و در معرفی مجوس می‌گوید: منظور از مجوس قوم معروفی هستند که به زردشت گرویده کتاب مقدس‌شان اوستا نام دارد. به سبب این که اوستا در آتش‌سوزی اسکندر نابود شد. به همین جهت ممکن نیست بر واقعیت مذهب ایشان وقوف یافت. آنچه مسلم است مجوسیان معتقد هستند که برای تدبیر عالم دو مبدأ است یکی مبدأ خیر و دیگری مبدأ شر، اولی نامش یزدان و دومی اهریمن یا اولی نور و دومی ظلمت است و نیز مسلم است که ایشان ملانکه را مقدس دانسته و بدون این که مانند بت‌پرستان برای آنها بتی درست کنند به آنها توسل و تقرب جویند و عناصر بسیطه، مخصوصاً آتش را مقدس می‌دارند و در قدیم‌الایام مجوسیان در ایران و چین و هند و غیر آنجا، آتشکده‌هایی داشتند. آنان وجود همه عالم را مستند به اهورامزدا دانسته و او را ایجاد کننده همه می‌دانند.<sup>۱</sup> از میان مفسران امام فخر رازی، آیین مجوس را آشکارا، غیرالهی معرفی کرده است: «مجوس پیرو فرد متنبی هستند.» (متنبی به کسی می‌گویند که ادعای پیامبری کرده است).<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد گزارش برخی مورخان درباره ادعای پیامبری زردشت<sup>۳</sup> وی را بر آن داشت تا آیین زردشت را غیرالهی بداند.

۱. علامه سید محمد حسین طباطبایی، پیشین، جلد ۱۴، ص. ۵۰۴.

۲. امام فخرالدین محمد رازی، تفسیر الکبیر، ج ۶، الطبعة الثالثة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ص ۲۲۰.

۳. ابن اثیر، پیشین، ص ۲۹۹.

## نتیجه گیری

برخلاف اعتقاد برخی از محققان معاصر مبنی بر این که مسلمانان، زردشتیان را اهل کتاب ندانسته بودند. گزارش های منابع تاریخی، فقهی، حدیثی و تفسیری بیانگر آن است که پیامبر اسلام (ص) دین زردشت را از ادیان الهی دانسته و از زردشتیان ناحیه هجر در بحرین به عنوان اهل ذمه جزیه دریافت نمودند و مسلمانان نیز به پیروی از سیره پیامبر زردشتیان را اهل کتاب دانسته و با آنان قرارداد صلح امضاء نموده بودند. بدین ترتیب زردشتیان مانند یهودیان و مسیحیان در قبال پرداخت جزیه، در امور مذهبی، اجتماعی و اقتصادی از آزادی عمل برخوردار بودند.

## منابع

- قرآن، ترجمه، مهدی الهی قمشاهی، چاپ اول، تهران، پیام، ۱۳۷۲.
- آلوسی بغدادی، علامه ابوالفضل شهاب الدین سید محمد. تفسیر روح المعانی فی تفسیر قرآن العظیم، ج ۱۷، چ دوم، لبنان، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ هـ ق / ۱۹۸۵ م.
- ابن آدم قرشی، یحیی. الخراج، صححه و شرحه و وضع فهارسه القاضی الشیخ احمد محمد شاکر، الطبعة الاولى، لبنان، بیروت، دارلی، ۱۹۹۰.
- ابن ابراهیم، قاضی أبو یوسف یعقوب، الخراج، صححه و شرحه و وضع فهارسه القاضی الشیخ احمد محمد شاکر، الطبعة الاولى، لبنان، بیروت، دارالحدیث، ۱۹۹۰ م.
- ابن اثیر، عزالدین علی کامل ابن الاثیر، ترجمه عباس خلیلی، بی جا، علمی، بی تا.
- ابن بابویه القمی. ابی جعفر محمد بن علی بن الحسن، التوحید، صححه و علق السید الحسینی الطهرانی، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه فی قم، بی تا.
- ابن بهرام دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن بن الفضل. سنن الدرامی، ج ۲، بی جا، دارالکتبه العلمیه، بی تا.
- ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و لامم، ج ۲، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن حزم طاهری، ابی محمد علی بن احمد. الفصل فی الملل و الاهواء و النحلل، ج ۲، لبنان، بیروت، دار معرفت، ۱۴۰۶ هـ ق. / ۱۹۸۷.

ابن سلام، ابى عبيد القاسم. الاموال، تحقيق و تعليق خليل محمد، لبنان، دارالفكر، ١٤٠٨ هـ.ق. / ١٩٨٨ م.

ابن قيم جوزيه، شمس الدين ابى عبدالله ابن ابى بكر، احكام اهل ذمه، ج ٢، حقه و علق حواشيه صبحى الصالح، بيروت، دارالعلم للملايين، ١٣٦٢، ش / ١٩٨٣ م.

ابو داود سجستاني، ابى داود سليمانى، سنن ابى داود، ج ٢، الطبعة الاولى، لبنان، الكتب الثقافيه فى دارالجنان، ١٤٠٩ هـ.ق. / ١٩٨٨ م.

ابوالفتوح رازى، جمال الدين، تفسير روح الجنان و روح البيان، ج ٥، ترجمه آقاى حاج ميرزا ابوالحسن شعرانى، به تصحيح على اكبر غفارى، تهران، اسلامى، ١٣٥٢.

بخارى، صحيح بخارى. باب جهاد، شرح كرماتى، الطبعة الثانى، لبنان، بيروت، التراث العربى، ١٤٠١ هـ.ق. / ١٩٨٤ م.

البلاذرى، ابو الحسن. فتوح البلدان، ايران، قم، منشورات الارميه، ١٤٠٤. البيهقى، ابى بكر احمد بن الحسين. السنن الصغير. ج ٤، الدكتور عبدالمعطى امين قلعجى، الطبعة الاولى، بى جا، الوفاء، ١٤١٠ هـ / ١٩٨٩ م.

البيهقى، ابى بكر احمد بن الحسين. السنن الكبرى، ج ٨، فى ذيله الجواهر النفى للعلامه علاء الدين، على بن عثمان المادرينى، الطبعة الاولى، الهند، حيدرآبادالدين، دائرة المعارف العثمانيه، ١٣٥٤ ش.

بهار، محمد تقى (مصحح). تاريخ سيستان، تهران، خاور، ١٣١٤. پلوتارك. حيات مردان نامى، ج ٤، ترجمه مهندس رضا مشايخى، طهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، ١٣٣٨.

ترمذى. سنن ترمذى، صحيح احاديثه محمد ناصرالدين الالبانى، الطبعة الاولى، الرياض، مكتبالتريه العربى لدول الخليج، ١٤٠٨ هـ / ١٩٨٨ م.

الحر عاملى، شيخ محمد بن الحسين. وسائل الشيعه، ج ١١، به تصحيح و تحقيقه الشيخ عبدالرحيم الربانى الشيرازى، لبنان، بيروت، دار احياء التراث العربى، بى تا.

الحسينى الشاه عبدالعظيمى، حسين احمد. تفسير اثنى عشرى، ج ٣، بى جا، كلينى، ١٣٦٣.

- حنبل، احمد. مسند، ج ۲، بیروت، دار صادر، بی تا.
- دار قطنی، سنن قطنی. ج ۳، صحیحہ سید عبدالله ہاشم یمنی المدنی، لبنان، بیروت، دارالمعرفہ، بی تا.
- دایرہ المعارف فارسی، بہ سرپرستی غلامحسین مصاحب، بی جا، کتاب های جیبی، ۱۳۵۶.
- رازی، امام فخرالدین محمد، تفسیر الکبیر، ج ۶، الطبعة الثالثة، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا.
- الزمخشري الكوارزمي، أبي القاسم محمد بن عمر، الكشاف، ج ۱، طبعه جریره حقیقه عبدالرزاق المهدی، الطبعة الثانية، لبنان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، موسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۱ھ / ۲۰۰۱م.
- السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر. الدار المنثور فی التفسیر الماثور، ج ۳، الطبعة الاولى، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ھ ق. / ۱۹۹۰م.
- الشافی، ابی عبدالله محمد بن ادريس. مسند الامام الشافی، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- شعبه، سعید بن منصور. سنن سعید بن منصور، ج ۱، حقیقه و علقه علیہ الاستاذ المحدث الشیخ حبیب الرحمن الأعظمی، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم. الملل و النحلل، ج ۲، ترجمه مصطفی خالقداد هاشمی، مقدمه و حواشی و تصحیح و تعلیقات سید محمد رضا جلالی نائینی، چاپ دوم، تهران، شرکت افست، ۱۳۵۸.
- شیخ صدوق، ابن بابویه. من لا یحضره الفقیه، ج ۶، مترجم صدرباغی و محمد جواد غفاری، چاپ اول، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۹.
- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۷، ترجمه محمد تقی اصفهانی مشهور بہ آقا نجفی شیرازی، بی جا، اسلامیه، بی تا.
- شیخ طائفه، ابو جعفر حسن علی، استبصار. ج ۴، حقیقه و علی السید الموسوی الخراسانی، تصحیح محمد الاخوندی، بیروت، دار صعب و دارالتعارف، ۱۳۹۰ھ

شیخ طائفه، ابو جعفر حسن علی، التبیان فی التفسیر القرآن، ج ۴ و ۷، تحقیق و تصحیح احمد حسب  
قصیر العاملی، لبنان، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا.

شیخ طائفه، ابو جعفر حسن علی، المبسوط، ج ۲، صححه و علق السید محمد تقی الکتفی، بی جا،  
المکتبه المرتضویه، بی تا.

شیخ طائفه، ابو جعفر حسن علی، تهذیب الاحکام، ج ۷، حقه و علی السید الموسوی الخراسانی،  
بیروت، دار صعب و دارالتعارف، للمطبوعات، ۱۴۰۱ هـ ق. / ۱۹۸۱ م.

شیخ مفید، المقنعه، قم، موسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۰ هـ.

طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۹، ترجمه حاج شیخ حسین نوری و دکتر محمد  
مفتح، بی جا، چاپخانه حیدری، بی تا.

طبرسی، شیخ ابو علی بن حسن طبرسی، احتجاج، ج ۴، ترجمه نظام الدین احمد غفاری مازندرانی،  
تصحیح پاکتچی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، بی تا.

طبرسی، شیخ ابو علی بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۶، ترجمه حاج شیخ حسین نوری و  
دکتر محمد مفتح، بی جا، چاپخانه حیدری، بی تا.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان عن تاویل القرآن، ج ۵ و ۱۰، لبنان، بیروت،  
دارالفکر، ۱۴۰۸ هـ ق. / ۱۹۸۸ م.

طبری، ابی جعفر محمد بن جریر الطبری، تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک)، ج ۵، لبنان،  
بیروت، لدرالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۸ م.

عزه در روزه، محمد، التفسیر الحدیث، ج ۹، الطبعة الثانیه، بیروت، دارالعرب الاسلامی، ۱۴۲۱ هـ /  
۲۰۰۰ م.

عوفی، سدیدالدین محمد، جوامع الحکایات و الوامع الروایات، جزء اول از قسم دوم، تصحیح بانو  
مصفا (کریمی)، بی جا، بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۲.

القلقشندی، ابی العباس احمد بن علی، صبح الاعشی فی صناعه الانشاء، ج ۲۱، مصر، وزارت  
الثقافه و الرشاد القومی الموسسه المصریه للیامه، بی تا.



- الکلبینی رازی، ابی جعفر بن اسحاق، الفروع من الکافی، ج ۳، صححه علی اکبر الغفاری، الطبعة الثالثة، بیروت، دار صعب و دارالتعارف، ۱۴۱۰ ق.
- مالک بن انس، الموط. صححه محمد فؤاد عبدالباقي، ج ۲، بی جا، احیاء التراث العربی، بی تا.
- محمدی، محمد. فرهنگ ایرانی و تاثیر آن در اسلام و عرب، تهران، پیمان، ۱۳۳۳.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. التنبيه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- مصاحبه حضوری با جناب آقای موبد رستم شهزادی، تهران، پاییز، ۱۳۷۷.
- مصاحبه حضوری با جناب آقای موبد دینیار شهزادی، یزد، میراث فرهنگی استان یزد، تابستان ۱۳۷۸.
- موله، م. ایران باستان، ترجمه دکتر ژاله آموزگار، چاپ پنجم، تهران: توس، ۱۳۷۷.
- میبدی، ابوالفضل رشید الدین. کشف الاسرار و عده الابرار، ج ۷، سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- ناس، جان. تاریخ جامع ادیان از آغاز تا امروز، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- نسفی، ابو حفص نجم الدین عمر بن محمد. تفسیر ابن الکثیر، به تصحیح دکتر عزیزالله جوینی، تهران، سروش، ۱۳۷۶.
- الواحدی النیشابوری، الحسن علی بن احمد. اسباب النزول، تالیف و تخریج الدكتور مصطافی ديب التغا، دمشق، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۱۷ هـ / ۱۹۹۷ م.
- یعقوبی، احمد. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، چاپ سوم، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.